



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۶۱ - تفسیر بخش‌های مختلف آیه - بخش سوم: «اهبطوا مصرًا» -

تاریخ: ۲۱ مهر ۱۴۰۴

مصادف با: ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۴۷

جلسه: ۷

۱. احتمالات سه گانه در کلمه «اهبطوا» - ۲. احتمالات سه گانه در کلمه «مصرًا»

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بخش سوم: «اهبطوا مصرًا»

عرض کردیم آیه ۶۱ سوره بقره مشتمل بر چند بخش است؛ بخش اول بر دو وجه سلبی و ایجابی بود. ما اجمالاً درباره این دو وجه مطالبی را عرض کردیم. بخش دوم که قسمتی از فرمایش حضرت موسی (ع) بود، توضیح داده شد.

بخش سوم، ادامه همان سخن حضرت موسی است که فرمود: «اهبطُوا مِصرًا» و در ادامه می‌فرماید: «فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ». بخش سوم عمدتاً جمله «اهبطُوا مِصرًا» است؛ بقیه را هم می‌توانیم به عنوان بخش مستقل تفسیر کنیم یا در ادامه همین بخش؛ این را بعداً عرض خواهیم کرد و خیلی مهم نیست.

حضرت موسی به قوم بنی اسرائیل فرمود: شما در واقع یک امر خیر را تبدیل به یک امر پست‌تر می‌کنید؛ البته این را با استفهام فرمود و گفتیم این استفهام انکاری است. وجه اینکه من و سلوی به عنوان خیر معرفی شد و درخواست بقل، ققاء، فوم و عدس به عنوان ادنی معرفی شد را هم بیان کردیم. بعد از این استفهام انکاری، حضرت موسی می‌فرماید حالا که شما این چنین کردید، یعنی چیزی را که پست‌تر است، جایگزین خیر کردید، «اهبطُوا مِصرًا».

دو کلمه در این جمله وجود دارد؛ در هر یک از این کلمات، چند احتمال می‌توان ذکر کرد؛ یکی در مورد «اهبطوا» و دیگری هم در مورد «مصر». شاید سه احتمال در مورد «اهبطوا» و سه احتمال یا بیشتر در مورد «مصر» وجود دارد. باید ببینیم در میان این احتمالات، کدام یک با سیاق این آیه و مجموعه مطالبی که از بنی اسرائیل می‌دانیم، سازگار است.

۱. احتمالات سه گانه در کلمه «اهبطوا»

در مورد «اهبطوا» سه احتمال وجود دارد.

۱. احتمال اول این است که امر به هبوط، امر توبیخی باشد؛ معنای توبیخ این است که آنها از موقعیتی که در آن به سر می‌بردند، به یک موقعیت پایین‌تر تنزل و سقوط کنند. اینجا حضرت موسی در واقع می‌خواهد به بنی اسرائیل بفهماند که حالا که شما خیر را مبدل به ادنی می‌کنید، هبوط و نزول و سقوط کنید. شما که به خاطر عدس و پیاز و امثال اینها حاضر هستید از یک خیر بالاتر صرف‌نظر کنید، پس کأن حق شما این است که در مصر فرود بیاید. حالا در ادامه مصر را خواهیم گفت که به چه معناست؛ یا به معنای شهر معین و منطقه خاص، یا اشاره به هر شهری دارد. در بحث از کلمه مصر، این مطلب را بیشتر توضیح خواهیم داد.

خود این امر توبیخی دو احتمال دارد: منظور از مصر همان کشور مصر باشد، یا بگوییم منظور از مصر، یک شهر است. برای هر

کدام از این دو احتمال می‌توان دلایل و مؤیداتی ذکر کرد. پس امر توییخی تارة به این معناست که شما که چنین درخواستی دارید و خودتان را آنقدر تنزل دادید و سقوط کردید، در یکی از همین شهرها سکنا بگزینید و به این خواسته‌های خودتان برسید. کأن حضرت موسی می‌خواهد بگوید که شما بعد از این همه سختی‌ها و مشقت‌ها و سرگردانی‌ها، تعالی و عزت پیدا کردید، استقلال پیدا کردید ولی الان با این درخواست کأن خودتان را در یک شرایط خاصی قرار داده‌اید که نه عزت و نه استقلال شما حفظ می‌شود. پس در یکی از این شهرها ساکن شوید تا به عدس و قثاء و بصل برسید.

سؤال:

استاد: منظور شما ادخلوا الارض المقدسة است؟ ... آنجا بحث است که ارض مقدسه به چه معناست؛ آیا به معنای بیت‌المقدس است یا غیر آن؟ یکی از احتمالاتی که بعضی از مفسرین در مورد مصر داده‌اند این است که منظور بیت‌المقدس است لکن اغلب مفسران می‌گویند این یک شهری از شهرهاست. غیر از اشکالی که از جهت ادبی وجود دارد، می‌گویند مصر قبلاً بعد از غرق شدن فرعون، قبلاً به دست اینها افتاده بود و در اختیار اینها بود.

۲. احتمال دیگر اینکه این امر توییخی در واقع به دنبال همان سخنان و درخواست‌ها، اشاره به هبوط و سقوط و نزول دارد؛ لکن منظور این است که به همان مصری که در آن بودید و فرعون بر شما مسلط بود و زندگی نکبت‌بار داشتید و از آن نجات پیدا کردید، برگردید. به همان‌جا برگردید، یعنی به مصر به عنوان یک کشور و منطقه معین که شما به آن خواسته‌ها و عدس و خیار و اینها می‌رسید، اما از عزت و حریت و استقلال خبری نیست.

اینها دو احتمال در امر توییخی بود. تفاوتی که بین احتمال اول و دوم هست، تنها در این است که طبق یک احتمال مصر همان کشور معین و معلوم است، طبق یک احتمال هم شهری از شهرها است.

۳. احتمال سوم اینکه این یک امر تعجیزی باشد؛ به این معنا که شما بعد از این همه سال سرگردانی و سختی و مشقت، یک درخواستی از خدا کردید ولی شما نمی‌توانید به این درخواست‌ها برسید. امر تعجیزی مثل «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ»، می‌گوید اگر می‌توانید یک آیه یا سوره مثل قرآن بیاورید؛ یا «قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا»، آهن یا سنگ شوید. اینها در واقع امر است، اما برای اینکه به آنها اثبات کند که شما عاجز و ناتوان هستید؛ اینجا هم می‌خواهد بگوید که اگر شما می‌توانید و قدرت دارید، به یکی از شهرهای اطراف بروید و این محصولات را از طریق زحمت و رنج و تلاش و کشاورزی بدست بیاورید. اما دیگر از من و سلوی و چیزهایی که معجزه‌گونه به دست شما می‌رسید، خبری نیست و اینها به شما نمی‌رسد.

پس در مورد هبوط سه احتمال وجود دارد؛ البته قدر مشترک همه اینها این است که بنی‌اسرائیل به خاطر زیاده‌خواهی‌ها و لجاجت‌ها و بهانه‌جویی‌ها، در گرفتاری‌ها و مشقت‌هایی قرار گرفتند و در عین حال عزت و استقلال خودشان را لگدمال کردند و از دست دادند؛ چه اینکه در ادامه می‌فرماید: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» که اشاره به سرنوشت زشت آنها دارد.

۲. احتمالات سه‌گانه در کلمه «مِصْرًا»

در مورد مصر چند احتمال وجود دارد. این چند احتمال ناشی از امکان توجیه تنوین داشتن کلمه مصر است. چون مصر یک کلمه غیر منصرف است؛ غیرمنصرف هم تنوین نمی‌پذیرد. ولی اینجا «اهْبِطُوا مِصْرًا» آمده است؛ کلمه مصر پنج بار در قرآن آمده، ولی همه اینها بدون تنوین است. آنهایی که بدون تنوین ذکر شده، همگی اشاره به آن کشور خاص است؛ اما اینجا با

تنوین آمده است. برای همین است که اختلاف شده که آیا منظور از «مِصرًا» همان کشور است یا یک شهری از شهرها به نحو کلی، یا شهری از شهرهای شام و غیر آن. همه این اختلافات برای این است که کلمه مصر به عنوان یک کلمه غیرمنصرف، تنوین نمی‌پذیرد. احتمالاتی که در مورد کلمه مصر وجود دارد، به این خاطر است.

به هر حال سه احتمال اینجا وجود دارد:

۱. یک احتمال این است که «مصر» در اینجا اشاره به یک شهر معلوم و مصر معین دارد، نه کشور موسوم به مصر که شهر بیت‌المقدس است.

۲. احتمال دیگر اینکه منظور یک شهری از شهرها است؛ اعم از اینکه در شام باشد یا غیر شام؛ منظور کشور مصر نیست. وجه آن هم این است که تنوین دارد؛ لذا باید معنای دیگری برای آن ذکر کرد.

۳. برخی هم گفته‌اند درست است که به حسب قواعد، کلمه مصر تنوین‌پذیر نیست، اما می‌توانیم تنوین آن را با ملاحظه نکاتی توجیه کنیم. دو وجه برای تنوین‌پذیری مصر ذکر کرده‌اند.

یکی اینکه خود این کلمه که سه حرفی است و حرف وسط آن ساکن است، حتی اگر معرفه هم باشد امکان پذیرش تنوین را به آن می‌دهد. دیگر اینکه اساساً تنوین گرفتن مصر ملازم با نکره بودن آن نیست؛ می‌تواند معرفه هم باشد و تنوین هم بگیرد. در برخی کلمات مشابه، تنوین وجود دارد.

حال باید دید معنای ترکیب «اهْبِطُوا مِصرًا» با توجه به احتمالاتی که در مورد کلمه «اهْبِطُوا» و کلمه «مصر» ذکر شد، چیست؟ اینجا کدام یک از این احتمالات را باید تقویت کنیم؟ در ناحیه اهبطوا بگوییم این امر توییخی است یا تعجیزی؟ مصر هم كذلك؛ آیا یک کشور معین است یا بیت‌المقدس است یا یک شهری از شهرها، چه در شام و چه در غیر شام. ان شاء الله در جلسه آینده این مطلب را جمع‌بندی می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»